

ستایش/ پایه نهم

**** معنی تک بیت آغاز ستایش: خداوند تو را ستایش می گویم زیرا تو پاک هستی و بر همه ی جهان تسلط داری. فقط همان راهی را می روم که تو نشان می دهی (سنایی غزنوی)

قالب شعر : مثنوی / از شاهنامه فردوسی (تولد ۳۲۹ هجری قمری. وفات: ۴۱۱ هجری قمری)

**** نکته: مثنوی قالب شعری است که هر بیت آن قافیه ی جداگانه دارد.

**** شکل قرار گرفتن قافیه ها در مثنوی :



به نام خداوند جان و خرد

معنی لغات: خداوند: صاحب/ سپهر: آسمان / فروزنده: روشن کننده/ کیوان: سیاره زحل / ناهید: سیاره زهره / مهر: خورشید/ نداند: نتواند/ میان: کمر/ میان بستن: آماده شدن / برنا: جوان

معنی ابیات

بیت ۱- به نام خداوندی که صاحب اندیشه ی انسانهاست و اندیشه آدمی بیشتر از این توانایی شناخت ندارد.

بیت ۲- او خداوند هستی و مکان هست و او خدایی است که به موجودات روزی می دهد و آنان را راهنمایی می کند.

بیت ۳- به نام خدایی که صاحب کیوان و این آسمان گردنده است و خدایی که ماه و ستاره و خورشید را روشن می کند. / آرایه بیت: کیوان و سپهر و ماه و ناهید و مهر: مراعات النظیر

بیت ۴- تو با چشمان ظاهر بین و معمولی نمی توانی خدا را ببینی پس بیهوده چشمانت را آزار نده

آرایه بیت: واج آرای «ن»

بیت ۵- اندیشه آدمی نیز توان پی بردن به حقیقت خدا را ندارد زیرا او برتر از موجودات هستی و مکان هست

بیت ۶- چون هیچ کس نمیتواند خدا را آن گونه که شایسته ی اوست، بشناسد، پس فقط باید بندگی کنیم. / آرایه بیت: میان بستن : کنایه از آماده شدن / را در مصراع دوم حرف اضافه است

بیت ۷- هر کس دانا باشد قطعاً توانا هم هست. علم و دانش دل انسان را جوان و شاداب نگه می دارد. / آرای بیت: بین پیر و برنا : تضاد

درس اول/ آفرینش همه تنبه خداوند دل است / فارسی نهم

معنی لغت های مهم درس

اسرار: راز، جمع سر/ سعادت: خوشبختی / عاجز: ناتوان / عزیز: بزرگوار/ عنب: انگور غفلت: بیخبری / گرم: بخشش / لیل: شب / مستمع: شنونده / مسخر: تحت فرمان، رام، مطیع/ نهار: روز/ الوان: رنگارنگ / یاقوت: سنگ

قیمتی / اقرار: انعام: نعمت، بخشش / تنبیه: آگاه کردن، بیدار کردن / جهالت: نادانی / حیران: متحیر، سرگشته / حیف: افسوس / خار: تیغ / خداوند دل: صاحب دل / راست روان: افراد درست کار / رخ: صورت / زرین: طلایی

معنی ابیات

****معنی تک بیت آغاز فصل اول (فصل زیبایی آفرینش)

"به طور قطع همه ی چشم ها و چهره ها تو را می بینند و به طور یقین همه ی گوش ها صدای تو را می شنوند."

**** آفرینش همه تنبیه دل است

بیت ۱: صبح روز اول بهار که شب و روز به اعتدال می رسند گشت و گذار و دیدن صحنه های بهار بسیار لذت بخش است. / آرایه بیت: دامن صحرا: جان بخشی

بیت ۲: تمام آفرینش برای آگاهی انسان ها ی صاحب دل است و کسی که به خدا ایمان ندارد ، انسان نیست / آرایه بیت: دل نداشتن: کنایه از احساس نداشتن

بیت ۳: آفریده های خداوند مانند نقشه های عجیبی بر در و دیوار عالم هستی نمایان هستند. هرکس درباره ی این تصاویر و آفریده های عجیب خداوند فکر نکند مانند تصویر بر روی دیوار بی روح و بی احساس است. / آرایه بیت: نقش بر دیوار بودن: کنایه از بی فکر و بی اندیشه بودن. بی جان بودن. / هرکه فکر نکند: مشبه / نقش بود بر دیوار: مشبه به (تشبیه)

بیت ۴: همه ی پدیده ها خدا را به پاکی یاد می کنند که هر شنونده ای نمی تواند به این رازها پی ببرد / آرایه بیت: کوه و دریا و درختان: مراعات النظیر / تسبیح گفتن کوه و دریا و درختان: جان بخشی

بیت ۵: آیا می دانی پرندگان که به هنگام سحر آواز می خوانند چه می گویند ؟ (می گویند) ای انسان غافل ، دست از غفلت و بی خبری بردار و آگاه باش / آرایه بیت: مرغان سحر می گویند: جان بخشی / خواب جهالت: کنایه از بی خبری

بیت ۶: ای انسان تا کی می خواهی به غفلت روزگار بگذرانی؟ تمام موجودات یاد خدا می کنند ولی افسوس که تو غافل هستی / آرایه بیت: چو بنفشه: تشبیه / سر غفلت در پیش گرفتن: کنایه از بی خبری و ناآگاهی / خواب و بیدار: تضاد / بیداری نرگس: جان بخشی / نرگس و بنفشه: مراعات النظیر

بیت ۷: چه کسی می تواند میوه های رنگارنگ از درخت پرویاند ؟ یا چه کسی می تواند در کنار گل صدبرگ پرویاند؟ / آرایه بیت: گل با خار: تضاد

بیت ۸: عقل انسان از خوشه های طلایی انگور دچار حیرت می شود و فهم انسان از درک نظم شگفت انگیز دانه های انار که مانند یاقوت کنار هم در جعبه ای چیده شده اند ، ناتوان است

آرایه بیت: انار به حقه تشبیه شده / دانه های انار به یاقوت تشبیه شده / عقل با فهم / و عنب با انار: مراعات النظیر

بیت ۹: خدای پاک و بی عیب زیباترین سرنوشت را برای ما در نظر گرفته است و برای آرامش ما ، ماه و خورشید و شب و روز را تحت فرمان خویش درآورده است. / آرایه بیت: ماه و خورشید: مراعات النظیر / لیل و نهار: تضاد

بیت ۱۰: اگر همه تا روز قیامت از لطف و رحمت او سخن بگویند باز هم یکی از هزاران لطف و رحمت او گفته نمی شود.

بیت ۱۱: خدایا نعمت هایت بی شمار است و انسان شکرگزار نمی تواند شکر نعمت هایت را بجا آورد

آرایه بیت: ز عدد بیرون بودن: کنایه از بی شمار بودن /

بیت ۱۲: ای سعدی انسان های راست کردار به سعادت رسیدند . پس راستی کن که انسان های بدکردار به آرزو و هدف خود نرسیدند. / آرایه بیت: گوی سعادت : تشبیه/ گوی بردن : کنایه از پیروز شدن و دست یافتن/ به منزل نرسیدن: کنایه از به هدف نرسیدن / راست روان با کج رفتار: تضاد

خودارزیابی

سوال ۱: چند نمونه از جلوه های زیبایی آفرینش و نعمت های خدا را در درس، بیابید و بیان کنید.

خوشه زرین عنب / حقه یاقوت انار/ گل صدبرگ از خار/ مسخر کردن ماه و خورشید و شب و روز

۲- مفهوم آیه آیه ۴۴ سوره اسراء با کدام بیت درس، تناسب دارد؟

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند نه هم مستمعی، فهم کند این اسرار

یعنی چیزی در جهان نیست، مگر آنکه خدا را تسبیح کند و به پاکی بستاید، لیکن شما تسبیح آنها را نمی فهمید.

سوال ۳: پیام بیت پایانی شعر را توضیح دهید.

سعدیا، راست روان گوی سعادت بردند راستی کن که به منزل نرسد، کج رفتار

راست گویی و کردار راست باعث خوشبختی و آرامش انسان و دروغ گفتن باعث شکست و ناکامی میشود.

نکته ادبی

هرگاه بخواهیم منظور خود را زیباتر و دلنشین تر بیان کنیم ، از ادبیات بهره می گیریم به همین دلیل است که ادبیات را زبان هنری یا زبان برتر می نامند. **شعر** جلوه ای از زبان ادبی است و به این خاطر زیباست که شاعران در آن از آرایه های متنوعی استفاده می کنند مثل:

تشبیه: ادعای همانندی و شباهت میان دو چیز است که چهار رکن دارد: ۱- مشبه / ۲- مشبه به / ۳- ادات تشبیه / ۴- وجه شبه

مثل : دانا چو طبله ی عطار ، خاموش و هنرنمای است. دانا: مشبه/ طبله ی عطار: مشبه به/ چو: ادات تشبیه / خاموش و هنرنمای: وجه شبه/

مثال کتاب: عقل حیران شود از خوشه زرین عنب فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار

انار: مشبه / حقه: مشبه به / دانه های انار: مشبه/ یاقوت: مشبه به / حقه ی یاقوت انار: اضافه ی تشبیهی

جان بخشی(تشخیص): هرگاه صفت و ویژگی مخصوص انسان را به غیر انسان نسبت داده شود، آرایه ی جان بخشی است.

مثل: کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند نه هم مستمعی، فهم کند این اسرار

تسبیح گفتن کوه و دریا و درختان آرایه ی جان بخشی دارد. چون تسبیح گفتن صفتی انسانی است که به غیر انسان یعنی کوه و دریا و درختان نسبت داده شده است .

یا مثالی دیگر: ابرها می گریند. جان بخشی دارد / گریه کردن مخصوص انسان است که به ابرها نسبت داده شده است

مراعات النظیر(تناسب): واژه هایی که در یک زیرگروه قرار می گیرند و از جهاتی باهم ارتباط دارند.

مثال: ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

بین نام گل ها: ارغوان. سمن. ترگس. شقایق که همگی گل هستند آرایه مراعات النظیر وجود دارد.
مثال کتاب: کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند نه هم مستمع، فهم کند این آسرار
بین کوه و دریا و درختان آرایه ی مراعات النظیر وجود دارد. چون همگی پدیده های طبیعت هستند.

گفت و گو

برعهده ی دانش آموز

واژه شناسی: گاهی تغییر در یک واج، موجب تغییر معنای یک واژه می شود. مثل: انعام: به معنی بخشش/ انعام: به معنی چارپایان. / آخر: به معنی دیگر / آخر: به معنی پایان

نوشتن

سوال ۱: مترادف واژه های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.

مستمع: شنونده / نادانی: جهالت / شگفت: عجب / آگاهی: تنبیه / ستایش خداوند: تسبیح

انگور: عنب / رام: مسخر / روز: نهار / مقصد: منزل / خوشبختی: سعادت

سوال ۲: در بیت های زیر از کدام عناصر زیبایی سخن، استفاده شده است؟

خبرت هست که مرغان سحر میگویند آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟

جان بخشی به اشیا: (حرف زدن مرغ سحر/ خواب جهالت: تشبیه / سراز خواب جهالت برداشتن: کنایه از آگاهی و معرفت داشتن

تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و ترگس، بیدار

تشبیه: انسان (البته مشبه در اینجا غایب هست) به بنفشه (مشبه، چو: ادات تشبیه، بنفشه: مشبه به، سر غفلت در پیش داشتن: وجه شبه

آرایه تضاد هم در خواب و بیدار/ بیداری ترگس: آرایه جان بخشی / سر غفلت در پیش داشتن: کنایه از بی خبری و ناآگاهی / بنفشه و ترگس: مراعات النظیر

سوال ۳: بیت دوم درس را در يك بند، توضیح دهید.

آفرینش همه تنبه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

آفریده های خدا بسیار متنوع و گوناگون هستند. این آفریده ها با نظم و فلسفه خاصی آفریده شده اند. انسانهای عاقل با دیدن زیباییهای طبیعت و آفریده های خدا، به وجود خالق بی همتا پی میبرند.

یعنی آفریده های خدا باعث آگاه شدن انسان عاقل میشوند. کسی که به وجود خداوند اعتراف نمیکند اصلاً دل ندارد.

حکایت سفر

از کتاب اسرار التوحید از محمد بن منور. موضوع این کتاب در احوال شیخ ابوسعید ابوالخیر است که در قرن ششم هجری. محمد بن منور نوشته است.

مفهوم حکایت : خودشناسی

معنی عبارت های حکایت

افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد = اسب را نگه داشت و مدتی در آن مکان توقف کرد

میگوید: معرفت این است که من در آنم. = میگوید: شناخت آن چیزی است که من انجام میدهم.

گرد خویش میگردم و پیوسته در خود سفر میکنم تا هر چه نباید. از خود دور گردانم. = دور خودم میگردم و مدام در درون خودم سفر میکنم تا چیزهایی را که نباید در من باشد (مسائل منفی) از خود دور کنم.

گرد خویش گشتن: کنایه از با خود اندیشیدن و به کار خود فکر کردن

تهیه کننده: محمدمین گرگانی دوجی. گنبد. تاپستان ۹۹

دوجی. گنبد کاوس - ۳۳۷۴۵۱۰۹



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد